

بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه و نتایج آن

(با تکیه بر مطبوعات دوره قاجار)

داریوش رحمانیان*

فرشته جهانی**

چکیده

مقاله حاضر به یکی از بزرگترین آمال و اهداف اصلاح طلبان و متجددین ایرانی دوره قاجار یعنی تحول در نظام آموزشی کشور با الگو برداری از نظام آموزشی آمریکا می‌پردازد. اگرچه تا مدتها اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی مورد توجه قرار داشت ولی در دهه‌های پایانی عصر قاجاریه روشنفکران و مطبوعات این دوره به شرح نظام آموزشی آمریکا و برتری‌های آن نسبت به کشورهای اروپایی پرداختند. پژوهش حاضر با تکیه بر مطبوعات عصر قاجاریه، اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه و مرکز اسناد ملی ایران، با روش توصیفی-تحلیلی به روند شناخت ایرانیان از نظام آموزشی آمریکا و تاثیرات آن بر ایران عصر قاجاریه پرداخته است و نشان می‌دهد در نتیجه فعالیت مدارس میسیونری آمریکایی و همچنین تبلیغات و تلاش‌های مطبوعات قاجاریه و همچنین عواملی چون انجمن ملی ایران و آمریکا و بالاخص تلاش‌های دیپلمات‌های برجسته ایران در آمریکا، حکومت قاجاریه متقاعد به الگوپذیری از نظام آموزشی و تربیتی آمریکا شد و در این راستا نخستین گام‌ها را که همانا اعزام دانشجو به آن کشور بود، برداشت و در فاصله

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تهران، rahmanian@ut.ac

** دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول)، fereshtejahani65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

زمانی مشروطه تا انقراض قاجاریه شمار قابل توجهی دانشجوی ایرانی تحصیلات خود را در آمریکا به پایان رساندند و به ایران بازگشتند.

کلیدواژه‌ها: نظام آموزشی، میسیونرها، مطبوعات قاجاریه، آمریکا، دیپلمات‌ها

۱. مقدمه

فرایند تحولاتی که از قرون جدید در اروپا آغاز شد و به زودی تمام ارکان تمدن غرب را متأثر کرد با گسترش ارتباطات اندک اندک در بخش‌های مختلف جهان نفوذ کرد و بسیاری از کشورها را در فرایند تغییر قرار داد. بر همین مبنا در جامعه ایران دوره قاجاریه تا قبل از انقلاب مشروطه سه دوره اصلاحات انجام گرفت. ایده تغییر در اندیشه روشنفکران ایرانیان نخست متأثر از جنگهای ایران و روس توسط عباس میرزا ایجاد شد پس از آن در دوره ناصری، امیرکبیر و سپهسالار اصلاحاتی در نظام اداری، مالی و آموزشی و... ایجاد کردند که این اصلاحات اکثراً با الگوبرداری از کشورهای اروپایی شکل گرفت. تحول در نظام آموزشی کهن و برقراری نظام آموزشی جدید که یکی از مظاهر مدرنیسم غرب بود در ایران دوره قاجار نیز مورد توجه قرار گرفت. در واقع یکی از راهکارهای تجددگرایان برای رهایی ایران از عقب‌ماندگی همه‌جانبه، تحول در نظام آموزشی کشور بود. آگاهی از تحولات غرب در حوزه نظام آموزشی در مطبوعات ایران انعکاس یافت، اما مسئله حائز اهمیت این بود که به زودی آمریکا به عنوان پیشرفته‌ترین کشور غربی در کانون توجه قرار گرفت. منابعی که به ارائه تصویری از نظام آموزشی آمریکا کمک کردند چند دسته بودند؛ آثار تجددگرایان و روشنفکران، اقدامات میسیونرهای امریکایی، فعالیت‌های انجمن ملی ایران و آمریکا و گزارش‌های سفرای ایران در ایالات متحده انباشتی از اطلاعات را فراهم آورد تا اصحاب مطبوعات و جرائد با بهره‌گیری از آنها بتوانند تصویری از نظام آموزشی آمریکا در جامعه ایران ارائه کنند و تأثیرات زیادی بر جامعه دوره قاجار به جای بگذارند، به نحوی که بسیاری به این اعتقاد رسیدند که پیشرفت جامعه ایران در گرو پیروی از سیاست‌های علمی و آموزشی آمریکا است. آنچه که بسیار اهمیت دارد روشن ساختن این موضوع است که شناخت نظام آموزشی آمریکا چگونه حاصل شد و بازتاب آن در جامعه ایران به ویژه در مطبوعات دوره قاجاریه چه تأثیری در نظام آموزشی ایران داشت؟ پژوهش حاضر نتیجه کاوش جدی در مطبوعات و اسناد آرشیوی است و در واقع منابع اصلی آن محدود به مطبوعات و اسناد آرشیوی می‌باشد. لازم به ذکر است مطبوعات این دوره از

لحاظ ماهوی به سه دسته دولتی، آزاد و مطبوعات منتشره در خارج از کشور جای می‌گیرند که با توجه به ویژگی هر دسته نحوه استفاده از آنها نیز متفاوت بوده ولی بهره‌گیری از مطبوعات منتشر شده در خارج از کشور همچون حبل‌المتین، ثریا، چهره نما، اختر، کاوه و... که با فراغ بال به انتقاد از اوضاع سیاسی-اجتماعی داخلی کشور می‌پرداختند بیشتر بوده است اما اسنادی که از آرشیوهای وزارت خارجه و آرشیو ملی بر جای مانده نیز اطلاعات ذی‌قیمتی از تاثیرپذیری ساختار آموزشی ایران از آمریکا ارائه می‌دهند.

با توجه به این واقعیت که پژوهش حاضر فرآیندی را بررسی می‌کند که طی آن ایرانیان با نظام آموزشی آمریکا آشنا شده، آن را در مطبوعات و جامعه بازتاب دادند و همین آگاهی‌ها باعث ایجاد تاثیراتی در بحث آموزش جامعه ایران شد، باید گفت دوره زمانی پژوهش را نمی‌توان محدود کرد و بایستی آن را بصورت پیوسته مورد بررسی قرار داد. بنابراین پژوهش حاضر از زمان نخستین آگاهی ایرانیان از نظام آموزش آمریکا آغاز، و تا سال‌های پس از انقلاب مشروطه را در بر می‌گیرد. اهمیت موضوع در این است که جدای از این حقیقت که مناسبات ایران و آمریکا در دوره قاجاریه به درستی بررسی نشده، هیچ پژوهشی نیز به موضوع تاثیرپذیری ایران از آمریکا در حوزه نظام آموزشی نپرداخته است. ضرورت تحقیق در این است که در بحث از تاریخ روابط ایران و آمریکا، مسأله روابط فرهنگی بطورعام و بُعد مهمی چون مسأله آموزش و مدارس بطورخاص همواره نادیده گرفته شده است. بنابراین پژوهش حاضر در تلاش است نشان دهد توجه و گرایش ایرانیان عصر قاجار به نظام آموزشی آمریکا تا چه میزان بود و این گرایش‌ها به چه نتایجی رسید؟ پژوهش بر این فرض استوار است که ایرانیان بویژه در دهه‌های پایانی حکومت قاجاریه از طریق مطبوعات این دوره به گونه‌ای بی‌سابقه از نظام آموزشی آمریکا آگاه شدند و نتیجه این وضع فرستادن فرزندان خود به مدارس آمریکایی و حتی به ایالات متحده جهت تحصیل بود که تحول اخیر تا حدود زیادی هم متأثر از تلاش نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا برای ترغیب دولت جهت اعزام دانشجویان به آن کشور بود.

۲. جنبش تجدد در ایران

اگرچه حاکمیت قاجاریه هیچ اراده قطعی و برنامه‌ای روشن برای نجات ایران از عقب‌ماندگی و رکود نداشت و جامعه و سنت هم زمینه‌های ترقی و پیشرفت را بر نمی‌تافتند اما این عوامل نتوانستند مانع از ظهور دگراندیشانی شوند که سکوت در برابر وضعیت حاکم بر

دولت و جامعه قاجاریه را جایز بدانند. در واقع در چند دهه پایانی قرن نوزدهم تجددطلبی به صورت پیدایی یک حرکت فرهنگی در جهت بسط ترجمه آثار خارجی و نگارش رسالات فلسفی و حقوقی و اجتماعی، نشر روزنامه‌ها در داخل و خارج از کشور و نیز تأسیس مدارس جدید درآمد. در این دوران گروهی از نویسندگان ایرانی که بیشتر در خارج از مملکت می‌زیستند، آثاری به چاپ رساندند که در ایران دست به دست می‌گشت و موجب بیداری فکر ایرانیان شد و اندیشه‌های غربی را به ایران وارد کرد. از جمله سرشناسان این گروه عبارت بودند از آخوندزاده (۱۲۲۸-۱۲۹۵ق)، سیدجمال‌الدین (۱۲۵۴-۱۳۱۵ق)، ملک‌خان (۱۲۴۹-۱۳۲۶ق)، زین‌العابدین مراغه‌ای (۱۲۵۴-۱۳۲۸ق)، میرزا آقاخان کرمانی (۱۸۵۵-۱۸۹۹م)، طالبوف (۱۲۵۰-۱۳۲۹ق) و مستشارالدوله. رویهمرفته همه این نویسندگان در یک نکته هم‌رای بودند و آن ضرورت ایجاد یک نظام آموزشی مدرن بود. به همین جهت تأسیس و توسعه مدارس را راهکار خاتمه دادن به عقب‌ماندگی‌های ایران می‌دانستند (بهنام، ۱۳۷۵، صص ۷۰-۷۱ و ۷۹-۸۱). آن‌گونه که تقی‌زاده، از متجددین متاخر عصر قاجاریه، مسئله تعلیم عمومی ملت را اساسی‌ترین مسئله کشور می‌دانست و معتقد بود که این مسئله هزار مرتبه مهمتر از اصلاحات سیاسی و دولتی است (کاوه، ۱۳۳۹ق، ش ۱، صص ۱-۴). گرچه فعالیت‌ها و روشنگری‌های تجددگرایان در کوتاه‌مدت به نتایج سریع و قابل انتظار نرسید اما اهمیت قضیه در این است که افکار و آراء آنان در جامعه و بویژه در مطبوعات قاجاریه انعکاس یافت و روزنامه‌ها با نشر و انتشار آنها، در چارچوب نگاه تجددگرایانه به بحث از اهمیت و ضرورت توسعه مدارس و نظام آموزشی پرداختند. در اینجا مناسب است به نقش میسیونری‌ها در ارائه نخستین شناخت‌ها از نظام آموزشی آمریکا به ایرانیان اشاره شود.

۳. نخستین ذهنیت ایرانیان از آمریکا

نخستین ذهنیت ملموس ایرانیان از آمریکا و آمریکائیان و نظام آموزشی آنان کمابیش متأثر از عملکرد میسیونری‌های آمریکایی در ایران بوده است. اولین میسیونرهای آمریکایی در سال ۱۸۲۹م به ایران آمدند. (اوژن فلاندن، ۲۵۳۶، صص ۴۴۰، ۴۴۱) هرچند این امر در ابتدا محدود به آذربایجان و بویژه ارومیه بود و بعدها در دیگر بخش‌های ایران عمومیت یافت. تا پیش از ورود میسیونرها به ایران حتی بسیاری از طبقات بالای جامعه هم شناخت و درکی از ایالات متحده نداشتند بنابراین به واسطه این عدم آگاهی، برقراری ارتباط با این

کشور دور از تصور بود، ولی با ورود مسیونرها و فعالیت آنها در سه بخش آموزشی، پزشکی، و دینی دریچه‌هایی به سوی آشنایی با آمریکا گشوده شد. نخستین مدرسه آمریکایی در ۱۹ ژانویه ۱۸۳۷ (۱۲۵۳ ه.ق) با ۱۷ شاگرد در ارومیه تاسیس شد. (ناطق، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰) محصلان ایرانی در اثر تحصیل در مدارس میسیونری‌ها و معاشرت با آنها توانستند با دنیای جدید و روش تربیتی دنیای نو و مزایای علوم و تربیت نوین آشنا شوند. (رامتین، ۱۳۴۱، صص ۲۸، ۲۷) عقیده میسیون‌های مسیحی از ابتدا مبتنی بر این بوده است که برای تهیه موجبات پیشرفت و تعالی یک ملت باید زنان و مردان آن را از برکات آموزش و پرورش مسیحی برخوردار ساخت. (الدر، ۱۳۳۳، ص ۱۲، ۱۳) آنان علاوه بر کارهای معمول خود، تلویحا در مورد ایالات متحده آمریکا به عنوان سرزمین موعود تبلیغ می‌کردند. (ایران و جنگ جهانی اول، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴) ولی همچنان گرایش به مدارس آمریکایی با چالش مواجه بود و هنوز پذیرش این مدارس برای اکثریت مردم سخت بود و به تلاش زیادی از سوی روشنفکران و یا حکومت نیاز بود تا این مدارس گسترش پیدا کنند. به هر حال و با وجود موانع فراوان مدارس آمریکایی نمونه‌های کوچک ولی جامعی از مدارس و طرز تعلیم و تربیت آمریکا بودند که مخصوصاً به طرز تربیت علمی و مفید آمریکایی توجه کامل داشتند. میسیونری‌ها با ایجاد مدارس و ترویج نظام آموزشی به سبک آمریکا در ایران نخستین بانیان معرفی این نظام آموزشی به ایرانیان بودند و تا مدت‌ها ذهنیت ایرانیان از آمریکا متأثر از نگرش و نوع نگاه آنان به میسیونری‌های آمریکایی در ایران بود.

۴. بازتاب نظام آموزشی آمریکا در مطبوعات ایران دوره قاجار

یکی دیگر از مراجعی که به موازات اقدامات تجددگرایان و میسیونرهای آمریکایی به تلاش و تبلیغ نظام آموزشی آمریکا می‌پرداخت، مطبوعات بودند. کلیه جرائد این دوره در بیان این حقیقت هم صدا و همدلند که گرچه علم در غرب ترقی کرد اما در آمریکا بود که به اوج خود رسید. به بیان دیگر، اگر چه ملل غربی به لحاظ علم و ترقی همگی در وضعیت مناسبی بودند اما نظام آموزشی آمریکا به لحاظ تعداد مدارس، شمار دانش آموزان، معلمان و همچنین کیفیت آموزش و بودجه معارف، و شاخص‌هایی از این دست از دیگر کشورها برتر بود و این واقعیت‌ها مورد اذعان کلیه ملل غربی بود (اختر، ۱۳۰۴، ش ۱۳، ص ۳۵۷۹). از اینرو آمریکا در کانون مباحث تجددخواهانه مطبوعات قرار گرفت. روزنامه تربیت در سال

۱۳۱۷ ه.ق در رابطه با اهمیت معارف آمریکا نسبت به دیگر کشورهای اروپایی اشاره می‌کند که در کل آمریکا یک نفر آدم بی سواد پیدا نمی‌شود و هنوز هیچ یک از دول و ممالک فرنگ دارای این شرافت و مزیت نشده‌اند (تربیت، ۱۳۱۷ق، ش ۱۴۰، ص ۵۶۰). روزنامه ثریا نیز در اهمیت آمریکا نسبت به دیگر کشورها می‌نویسد که انتشار علوم اگرچه از اروپا شروع شده ولی در آمریکا به کمال و رشد رسیده است، بطوریکه این کشور در مدت کمی توانست پیشرفت‌های حیرت‌آوری داشته باشد (ثریا، ۱۳۱۷ق، ش ۴۲، صص ۱۴-۱۵).

به دنبال انقلاب مشروطه در ایران، سیر بررسی مقایسه پیشرفت‌های آمریکا و عقب‌ماندگی‌های ایران در مطبوعات این دوره بیش از پیش انعکاس یافت. روزنامه‌چهره‌نما در سال ۱۳۲۷/۱۹۰۹ تعداد مدارس شهر نیویورک را ۱۲۰۸ واحد، شمار معلمان مرد ۴۰۷۷۰، معلمان زن ۳۶۴۲۷، شاگردان پسر ۶۷۵۹۳۰، شاگردان دختر ۶۶۷۴۴۹ نفر و مخارج سالیانه این مدارس این شهر ۵۳۲۰۶۴۱۴ میلیون تومان بوده است. این آمار در رابطه با شهر واشنگتن عبارت بود از ۱۵۱ واحد مدرسه دولتی، ۱۱۷۵ معلم مرد، ۱۴۸۴ معلم زن، و شاگرد پسر ۲۴۵۰۳ نفر، ۲۴۴۷۹ نفر شاگرد دختر و مخارج سالیانه ۱۷۶۷۶۶۳ تومان بوده است (چهره‌نما، ج ۲، ۱۳۲۷ق، ش ۱۵، ص ۵). چهره‌نما سپس با اشاره به یکی از شهرهای ایران که جمعیتی ۱۵۴۳۲۱ نفری داشته تعداد مکتبخانه‌های آن را ۵ واحد، معلمان را ۵ نفر، و شاگردان را ۲۲۲ نفر اعلام می‌کند (چهره‌نما، ج ۲، ۱۳۲۷ق، ش ۱۶، ص ۱۳). این در حالی بود که به موجب سالنامه معارف حتی در آخرین سال‌های حکومت قاجار (۱۳۰۳-۱۳۰۴) جمع کل شاگردان مدارس ایران ۱۰۲۹۷۵، جمع مدارس متوسطه ۸۳ باب، جمع مدارس ابتدایی ۶۴۸ باب، مکاتب محلی ۱۰۰۰، جمع مدارس قدیمه ۲۸۲ باب، مجموع معلمان ۳۳۷۲، مجموع معلمان ۹۱۵ نفر، فارغ التحصیل‌های کل مدارس ۲۴۶۹ نفر، جمع کل مخارج مدارس ۱۰۸۷۴۲ هزار، و تعداد مستخدمین وزارت معارف در تهران ۹۶۶ نفر بود (ایران‌شهر، ۱۳۰۵ش، ص ۸، ۹، ص ۵۶۴). جراید و روزنامه‌ها در واکنش به این تفاوت‌های یاس‌آور ترقی‌تعلیم و آموزش را آخرین راه نجات ایران می‌دانستند و علت ترقی آمریکا را در همین موضوع می‌دانستند (ایران‌شهر، ۱۳۴۳ق، ش ۸، ص ۴۵۹) و معتقد بودند که پیشرفت آمریکا و ترقی تجار آن کشور که هزاران کرور ثروت دارند نه از تاراج رعیت ورشوه و دزدی، بلکه از طریق علم حاصل شده است. بنابراین برای پیشرفت و ترقی، ایجاد مدارس جدید و تحصیل علم ضرورتر از هر اقدامی بود (جبل‌المتین، ۱۳۲۸ق، ش ۱۸ و ۲۷، صص ۱۲-۱۳). رویهمرفته مطبوعات این دوره پیشرفت‌های آمریکا را برخاسته از عواملی چون اراده

دولت آمریکا در توسعه نظام آموزشی، کارایی آموزشی، عدم تبعیض جنسیتی و ایفای نقش خیرین آمریکایی دانسته‌اند که به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف: اراده دولت در پیشبرد نظام آموزشی

از نگاه مطبوعات دوره قاجاریه، یکی از دلایل پیشرفت علم و ترقی آمریکا در این واقعیت نهفته بود که بودجه‌ای که این کشور به توسعه معارف اختصاص داده بود از تمام کشورهای دنیا بیشتر بود؛ بطوریکه هزینه‌های تربیت دانش‌آموزان مدارس بر عهده دولت بود (دولت علیه ایران، ۱۲۸۰ق، ش ۵۴۵، ص ۵۸۴). برای نمونه سرانۀ آموزشی در آمریکا دو دلار و چهل سنت بود حال آنکه این میزان در انگلستان یک دلار و سی سنت، و در فرانسه تنها ۸۰ سانتیم بود (اختر، ج ۱۳۱۳، ق ۹، ش ۲۷، صص ۷۸۷۱-۷۸۷۲). آمریکا برخلاف سایر دولت‌ها که بیشترین بودجه خود را به بخش نظامی اختصاص می‌دادند، دو برابر مخارج جنگ را به نظام آموزشی اختصاص داده بود. در حالی که روسیه با جمعیت ۸۰ میلیونی خود ۸۲۵ میلیون منات به بخش نظامی اختصاص داده و تنها ۲۵ میلیون منات برای بخش آموزش و پرورش در نظر گرفته بود، آمریکا با جمعیت ۵۰ میلیونی خود و بودجه ۲۳۵ میلیون دلاری نظامی، ۴۶۵ میلیون دلار به بخش آموزش تخصیص داده بود (اختر، ج ۵، ۱۳۰۴، ش ۱۳، ص ۳۵۷۹). بحث از بودجه آموزشی آمریکا در حالی بود که بنا به ادعای روزنامه مرد امروز تا سال ۱۳۴۰ ه.ق برای آموزش در ایران بودجه منظمی وجود نداشت و در این سال بود که از ۳۹ کرویر تومان مجموع عایدات دولتی مبلغ ۱۴۸۴۴۰ تومان به به این امر اختصاص یافت و بین ولایات تقسیم شد (مرد آزاد، ۱۳۴۱ق، ش ۱۰۴، صص ۱-۲).

علاوه بر تخصیص بودجه مناسب به امور آموزش و پرورش، در رابطه با عزم جدی دولتمردان و حکومت آن کشور در ریشه کنی بی‌سوادی همین بس که مهاجرانی که از سراسر جهان به آن کشور مهاجرت می‌کردند و شمار آنان حدود یک میلیون نفر در سال بود بلافاصله پس از ورود به آن کشور تحت آموزش قرار می‌گرفتند (چهره نما، ج ۳، ۱۳۳۱ق، ش ۹، صص ۳-۴). برای نمونه در سال ۱۸۷۰ م جمعیت آمریکا ۳۸۵۵۸۳۷۱ نفر بوده است. این میزان در ۱۹۰۴ به ۸۱۲۴۱۲۴۶ نفر رسید اما همزمان با این پیشرفت چشمگیر جمعیت، نه تنها در روند آموزش اختلالی ایجاد نشد بلکه تعداد دانش‌آموزان دو برابر و حتی بیشتر هم شد (معارف، ۱۳۲۴ق، ش ۶، صص ۱-۲).

در همین رابطه باید اضافه کرد که سوادآموزی صرفاً منحصر به دانش آموزان مدارس نبود، بلکه حتی در زندان‌ها هم در دستور کار دولت قرار داشت؛ مثلاً در شهر نیویورک و در زندان المیرامعلمانی جهت آموزش علم و هنر و صناعی چون کشتی‌سازی و چترسازی به زندانیان اختصاص داده بودند. این زندانیان پس از آموزش، گواهی و تصدیق‌نامه‌هایی دریافت می‌کردند که با استفاده از آنها می‌توانستند پس از آزادی به کار و کسب پردازند. علاوه بر این، باتوجه به کتابخانه‌ی سه هزار جلدی موجود در این زندان و همچنین روزنامه‌ای که برای زندانیان منتشر می‌شد می‌توان پی برد حکومت آمریکا تا چه اندازه در عزم خود مبنی بر ریشه‌کنی بی‌سوادی راسخ بود (اختر، ج ۷، ۱۳۲۵ق، ش ۳، ص ۵۲۶۰). علاوه بر زندانیان، مبالغ‌هنگفتی نیز جهت آموزش و پرورش سربازان برگشته از جنگ در دانشگاه‌ها و مدارس فنی هزینه می‌شد و به کسانی که علیل و ناتوان بودند کار و پیشه‌های مختلف آموزش داده می‌شدند (صدیق، ۱۳۳۲، ص ۳۰۹).

جدای از موارد فوق، در آنزمان که هنوز در کمتر کشوری آموزش کودکان استثنائی مورد توجه قرار گرفته بود، در آمریکا مدارس ویژه‌ای با امکانات عالی برای آموزش کودکان کر و لال و نابینا و غیره ایجاد شده بود. برای نمونه در سال ۱۹۰۴ ششصد و نود و سه هزار و پانصد و یک نفر در مدارس مخصوص کودکان استثنائی مشغول تحصیل بودند. (مجلس، ج ۴، ۱۳۲۹ق، ش ۱۴۶، ص ۱، معارف، ۱۳۲۴ق، ش ۶، ص ۲). روزنامه مظفری ضمن توصیف امکاناتی که در مدراس آمریکا حتی برای نابینایان وجود داشته انتقاد از وضعیت آموزش در ایران پرداخته و می‌نویسد در حالی که در آمریکا کتاب لغت‌نامه برای نابینایانی که خواندن و نوشتن می‌دانند منتشر نموده‌اند، اما "ایرانیان به جهت چشم‌داران هم لغتی ندارد." (مظفری، ۱۳۲۳ق، ش ۲۰، ص ۴). مطبوعات قاجاریه با استنادات به چنین مشاهدات و شنیده‌هایی نشان می‌دادند که تحول نظام آموزشی در آمریکا در درجه نخست نتیجه عزم و اراده‌ی جدی حاکمیت و دولتمردان آن کشور در ریشه‌کنی بی‌سوادی و گسترش علم و دانش بوده است.

ب: کارایی آموزش

از جمله ویژگی‌هایی که عزم و اراده و تلاش دولت آمریکا در تحول و توسعه نظام آموزشی را سازنده و ثمربخش می‌ساخت، کارآمد بودن آموزش و ایجاد تعهد اخلاقی در دانش‌آموزان بود. از نگاه جرائد ایران، مردم آمریکا بیش از سایر ملل در تعلیم و تربیت فرزندان خود جدیت نشان می‌دادند و در امر تربیت جوانان سعادت و نیکبختی هر ملتی را

در گرو تاسی جستن به مردم آمریکا می‌دانستند. دانش‌آموزان آمریکایی در کنار تربیت آموزشی و علمی، تربیت اخلاقی نیز می‌دیدند. (مجلس، ج ۴، ۱۳۲۸ق، ش ۱۲۹، ص ۴). ناگفته پیداست چنین تعلیم و تربیتی از همان ابتدا دانش‌آموزانی متعهد پرورش می‌داد. در این رابطه ابراز عقیده شده که روش تعلیم و تربیت و برنامه مدارس در آموزشگاه‌های آمریکا تحت تاثیر حکیم و فلاسفه مشهور آنجا از جمله ویلیام جیمس و جان دیوئی بود که معتقدند تعلیم خواندن و نوشتن و حساب کردن فقط قسمتی از وظیفه مدرسه است و مهمتر از این سه ماده، ایجاد عادات نیکو و ملکات فاضله و اخلاق حسنه در کودکان و پرورش آدم به تمام معنی است. آنها معتقدند منظور از تعلیم و تربیت ترویج دانش مطلق نیست بلکه دانشی است که از لحاظ عمل و زندگی سودمند باشد و در ضمن تجربه و آزمایش بدست می‌آید. عقیده دیگر آنان این است که مدرسه نباید تنها تزریق معلومات باشد بلکه بازی، ساختمان، استعمال افزار و آلات کار، تماس با طبیعت، بیان مکنونات خاطر از راه نوشتن و نقاشی و ساختن اشیا گوناگون عمل و کار و فعالیت باید اساس برنامه را تشکیل دهد و شاگرد باید از راه زندگانی عملی زیست کردن بیاموزد، وظیفه دیگر مدرسه این است که در اطفال شخصیت ایجاد کند. مدارس متمدنی آمریکا وقت طفل را در آموزشگاه صرف کارهایی می‌کنند که بدان دلبستگی دارد مانند ساختن خانه، وسایل حمل و نقل، کاشتن صیفی، بافتن پارچه با دست و کارگاه و ماشین... کودکان در حین عمل با راهنمایی معلم تمام مواد معمولی برنامه را فرا می‌گیرند. (صدیق، ۱۳۳۲ش، صص ۳۱۶-۳۲۰).

ج: عدم تبعیض جنسیتی

از دیگر ویژگی‌هایی که ضامن نتیجه بخش بودن سیاست‌های آمریکا در امر آموزش بود، عدم تبعیض جنسیتی در این کشور بود که کلیه کودکان و جوانان را مشمول بهره‌گیری از مزایا و تسهیلات آموزشی می‌کرد. مساله آموزش به دختران و اهمیت آن به شدت در مطبوعات ایران انعکاس پیدا کرد و مدت‌ها مورد بحث بود. ابراهیم صحاف‌باشی که به آمریکا سفر کرده بود در این خصوص متذکر می‌شود که دختران و پسران در سن پنج سالگی به مدرسه می‌روند و وقتی به سن دوازده سالگی می‌رسند همه چیز را یاد گرفته و لایق بهر کاری هستند. وی در ادامه به انتقاد از جامعه ایران می‌پردازد: "بچه‌های ما بیچاره-ها سریع ترتیب عروسی‌شان را می‌دهند و دختر را در قفس پرورش می‌دهیم بجز خوردن

و خوابیدن چیز دیگرش نمی‌آموزیم... افسوس که ما مردم لذت خوراک و جماع را بیش از ترقی و تربیت فهمیده‌ایم." (صحاف باشی تهرانی، ۱۳۵۷، ص ۸۱).

مطبوعات ایران ضمن انتقاد از وضعیت تحصیلی و شغلی زنان ایران آمار و ارقامی از تعداد محصلان دختر آمریکا و از تعداد شاغلان این کشور و اهمیتی که این کشور به تحصیل دختران می‌دهند؛ اشاره می‌کنند که در آمریکا ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار زن در سایه دانش و هنر دارای بهترین شغل‌ها هستند که ۱۶۰۰۰۰ نفر از آنان در مدارس و مکاتب به تدریس مشغولند. (اختر، ج ۸، ۱۳۱۱ق، ش ۱۶، ص ۶۱۳۷). در این کشور ۱۰۶ مدرسه عالی به زنان و دختران اختصاص یافته است، و تا سال ۱۸۹۲م ۱۲ دارالفنون بزرگ برای آنان احداث شده بود (اختر، ج ۸، ۱۳۱۱ق، ش ۱، ص ۵۸۹۷). روزنامه ناصری تقریباً در همین ایام با ذکر آمارهایی از وضعیت تحصیلی و شغلی زنان اعلام می‌کند که در کل ایران یقیناً ۵۰ نفر زن که قادر به کتابت و قرائت باشد وجود ندارند (ناصری، ۱۳۱۷ق، ش ۳۱، ص ۵). به گزارش روزنامه اطلاع در آمریکا مدارس خاص آموزش دختران وجود داشت که در آنها آداب و امور لازمه شوهرداری آموزش داده می‌شد. دختران هشت تا شانزده ساله می‌توانستند وارد این مدارس شوند و در مدت ۶ ماه تا یکسال به "کمال تربیت" برسند (اطلاع، ۱۳۱۵ق، ش ۷، ص ۴۲۵، جیل‌المتین، ۱۳۱۹ق، ش ۲۳، ص ۱۱). روزنامه جیل‌المتین معتقد بود تا تعلیم دختران در ملتی عمومیت نیابد محال است شایستگی در آن ملت عمومیت یابد (جیل‌المتین، ۱۳۲۷ق، ش ۱۵، صص ۲، ۳).

مطبوعات ایران بعد از مشروطه به طور مفصل در مورد تحصیلات دختران آمریکایی و بودجه‌ای که به آنها اختصاص داده شده است به عنوان عاملی در پیشرفت این کشور سخن رانده‌اند. آنها معتقد بودند که زنان آمریکایی برترین زنان جهان در حوزه علم و دانش هستند و اغلب مخترعان زن در جهان آمریکایی هستند. (بهار، ۱۳۲۸ق، ش ۲، صص ۱۱۱، ۱۱۰). روزنامه چهره‌نما در سال ۱۳۳۱ شمار محصلین زنانه از دختران خردسال تا پیرزنان و سالخورده‌گان در آمریکا را بالغ بر ۸ و نیم میلیون نفر اعلام کرده است (چهره‌نما، ج ۳، ۱۳۳۱ق، ش ۹، صص ۴، ۳). علاوه بر میزان بالای آن بایستی به عدم محدودیت سنی آن نیز توجه کرد که خود نشانه‌ای از عزم جدی حکومت آمریکا برای مبارزه با بی‌سوادی و همچنین عدم تبعیض جنسیتی می‌باشد؛ تا جاییکه پیرزنان را نیز تحت آموزش قرار داده است. حتی به روایتی آموزگاران آنجا عموماً زن هستند و احترام زیاد آمریکایی‌ها نسبت به زنان از همینجا ناشی می‌شود که تقریباً همگی آموزگار زن داشته‌

اند. (صدیق، ۱۳۳۲ش، ص ۳۱۶). علاوه بر این، صنایع مستظرفه مخصوصاً موسیقی تقریباً در انحصار زنان بود (فرنگستان، ۱۳۰۳ش، ش ۳، ص ۱۱۲). این در حالی بود که به روایت تقی زاده موقعیت اجتماعی زن ایرانی به حدی پست است که از کنیز زر خرید و دواب بارکش اندکی بهتر بود. (کاوه، ۱۳۳۹ق، ش ۱۲، صص ۲، ۱).

د: نقش خیرین و موسسات خیریه

مطبوعات قاجاریه با برجسته کردن نقش و عملکرد خیرین آمریکایی در توسعه نظام آموزشی آن کشور از طرفی نقش عوامل غیردولتی و سهم آنان در پیشرفت آمریکا را نشان می دادند و از طرف دیگر با زیرسوال بردن انفعال ثروتمندان ایرانی در رابطه با علم و دانش، آنان را برای تاسی جستن به خیرین آمریکایی تحت فشار قرار می دادند. برای نمونه روزنامه اطلاع در سال ۱۳۰۳ه.ق می نویسد در آمریکا رسم است که ثروتمندان در وصیت نامه - هایشان تروت خود را وقف گسترش مدارس می کنند. (اطلاع، ۱۳۰۳ش، ص ۱۳۵، ج ۳). ده سال بعد روزنامه اختر می نویسد که تفاوت ما با آمریکاییها در این است که به جای آنکه خیرات هایمان را صرف ساخت مکاتب، دارالصنایع یا بیمارستان بکنیم و از این طریق فقر را کاهش دهیم، خیراتهایی مثل آش و پلو درست می کنیم (اختر، ج ۹، ۱۳۱۳ق، ش ۲۷، صص ۷۸۷۲، ۷۸۷۱). در ادامه به راکفلر رئیس کمپانی نفت اشاره می کند که تنها به مدرسه - ای در شیکاگو بیش از یک میلیون و پانصد و پنجاه هزار لیره کمک کرده است. (اختر، ج ۹، ۱۳۱۳ق، ش ۲۷، ص ۷۸۶۹). کمک های مالی وی به مدارس آمریکا تا سال ۱۳۲۵ق، به ۱۰۶ میلیون دلار و تا سال ۱۳۲۸ق به بیش از ۱۳۱ میلیون تومان رسید. (حکمت، ج ۴، ۱۳۳۱ق، ش ۲۷، ص ۷۸۶۹، چهره نما، ج ۲، ۱۳۲۸ق، ش ۸، ص ۱۱). نمونه دیگر مستر کارنجی بود که مبلغ ۲۰۱ میلیون فرانک که معادل پنجاه میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان است در توسعه مدارس و ساختار آموزشی کمک کرده بود (ادب، ۱۳۲۰ق، ش ۲۳، ص ۱۸۰، حبالمتین، ۱۳۲۰ق، ش ۳۷، ص ۶). خیرین آمریکاییانگشت شمار اما بسیار تاثیرگذار بوده - اند (تربیت، ج ۲، ۱۳۱۹ق، ش ۲۳۲، ص ۹۳۲) مشخص نیست که این خیرین کمک های خود را از طریق نهاد و سازمان های مشخصی ارائه می دادند یا آنکه شخصاً به اینکار اقدام می - کردند. کمک های خیرین آمریکا فقط مختص به شهرهای آمریکا نبود بلکه به ساخت مدرسه در بیروت، چین و انگلیس و ... هم پرداخته اند. (حکمت، ج ۳، ۱۳۲۵ق، ش ۸۸۶، ص ۱۱). از این خیرین با عناوینی چون حاتم آمریکایی یا فرشته گانی در پیکر انسان یاد شده است. (اختر، ج ۹، ۱۳۱۳ق، ش ۲۷، ص ۷۸۶۹). روزنامه حکمت مجموع احساناتی را

که از طرف خیرین آمریکا به مدارس آن کشور در سال ۱۳۲۲ق شده را حدوداً هفت میلیون و دویست هزار لیره اعلام می‌کند و می‌پرسد خیرین ما چند هزار هزار دینار به مدارس ایران هدیه کرده‌اند؟! (حکمت، ج ۳، ۱۳۲۳ق، ش ۸۴۴، ص ۲). در سال ۱۳۲۶ روزنامه چهره‌نما در همین رابطه با طعنه می‌نویسد:

در ایران حاجی آقا محمد معین‌التجار بوشهری که وکیل ملت بخت برگشته ایران دردارالشورا هستند ایشان هم از کیسه فتوت یا خست خود با آن عواید سالیانه ده تومان به مدرسه سعادت بوشهر که همه هم مذهب و اولاد وطن هستند مرحمت می‌فرمایند. (چهره‌نما، ج ۲، ۱۳۲۶ق، ش ۳، ص ۶).

روزنامه اطلاع نیز با ابراز حیرت از رفتار توانگران ایران و مشرق زمین می‌نویسد: " بسیاری از اهالی مشرق زمین در اکثر اعمال و افعال خویش از اروپا و آمریکا تقلید می‌کنند اما نمی‌دانیم ... چرا مثل آمریکایی‌ها درصدد تاسیس مدارس مجانی برای اطفال فقرا و مملکت و ساختن مریضخانه برای حفظ جان غربایهمدین و همکیش و ضعفای ملت خویش نیستند. (اطلاع، ۱۳۲۱ق، ش ۱۳، ص ۳). روزنامه تربیت اظهار امیدواری می‌کند که «کاش مالداران ما قدری به آن خیرخواهان مجمع انسانیت اقتدا نمایند و کارهای آنها را پیروی کنند» (تربیت، ج ۲، ۱۳۱۹ق، ش ۲۳۲، ص ۹۳۲). و مثل معارف خواهان و خیرین آمریکایی خیرات خود را به ساخت کتابخانه‌های عمومی و مدارس مجانی اختصاص دهند چون در اقلیم متمدنه ثابت شده که سعادت ملل و ممالک بسته به علم و دانش است. (تربیت، ج ۲، ۱۳۱۹ق، ش ۲۳۴، ص ۹۳۷)

۵. گرایش ایرانیان به مدارس میسیونری

آنچنان که اشاره شد با ورود میسیونری‌های آمریکایی به ایران و تاسیس مدارس آمریکایی در نیمه اول دوره قاجار سنگ بنای آشنایی ایرانیان با ایالات متحده و نظام آموزشی این کشور گذاشته شد. تلاش‌های میسیونرها که در آغاز محدود و با موانع بسیاری همراه بود بالاخره با گذشت زمان و حمایت مطبوعات به آشنایی گسترده‌تر ایرانیان از نظام آموزشی آن کشور انجامید. مطبوعات از این راه موفق شدند زمینه‌های گرایش بیشتر ایرانیان به مدارس آمریکایی و نیز ایجاد علاقمندی در میان آنان برای دیدار از آمریکا و تحصیل در آن کشور را ایجاد کنند. در همان حال فعالیت مدارس آمریکایی که در گذشته محدود به

آذربایجان بود وارد فصل تازه‌ای شد و میسیون آمریکایی در سال ۱۸۷۳/۱۲۹۰ق مدرسه‌ای در تهران ایجاد کرد که بعدها به کالج آمریکایی معروف شد، این مدرسه که بعدها کالج البرز نام گرفت در تحول مدارس متوسطه در ایران نقش بسیار مهمی به عهده داشت و در طول ۵۰ سال چند نسل از بهترین شاگردان را تربیت نمود. در ۱۸۸۶ مدرسه دخترانه آمریکایی نیز شروع به کار کرد که واقعه مهمی بود. پس از یکی دو سال عده‌ای از دختران خانواده‌های سرشناس نیز در آن ثبت نام کردند. ناصرالدین شاه ضمن دیدار از مدرسه وعده داد سالانه ۱۰۰ تومان به مدرسه کمک کند. (بهنام، ۱۳۷۵، ص ۴۹) در سال ۱۸۹۸ دکتر و خانم س.م. جردن برای اداره مدرسه آمریکایی به تهران اعزام شده و سه سال بعد از ورود مدرسه آمریکایی دارای قسمت متوسطه کامل شد. (الدر، ۱۳۳۳، ص ۳۷) اولین دسته شاگردان ایرانی مدارس آمریکایی تهران بعدها منشا خدمات برجسته به کشور شدند. (رامتین، ۱۳۴۱، ص ۳۵) در واقع از سال ۱۸۹۶ اکثریت محصلین آموزشگاه را دختران مسلمان تشکیل می‌دادند. (الدر، ۱۳۳۳، ص ۳۸) در سال ۱۹۰۵، ۱۴۵ دختر در مدرسه آمریکایی تهران وجود داشت و در سالهای ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۰ عده کثیری دختران ایرانی و مسلمان از این مدارس مجهز و مدرن آن روز فارغ التحصیل شدند. (رامتین، ۱۳۴۱، صص ۳۴، ۳۵)

در این زمان در نتیجه شناختی که ایرانیان به واسطه مطبوعات از آمریکا پیدا کرده بودند، هر ایرانی و هر خانواده‌ای آرزومند آن بود که به هر ترتیب که شده بتواند فرزندانش را به کالج آمریکایی‌ها بفرستد. (همان، صص ۲۸، ۲۷) بنابراین می‌توان گفت عملکرد میسیونری‌های آمریکایی چنان رضایت‌بخش بود که نه تنها مردم برخلاف دهه‌های گذشته نسبت به آنان بدبین نبودند بلکه در آرزوی تحصیل فرزندان خود در مدارس میسیونری بودند. در ذکر اهمیت مدارس میسیونری و تاثیر آن بر نگرش دولتمردان قاجار همین بس که گفته شود در سال ۱۹۰۴م/ ۱۳۲۱ق که علی اصغرخان اتابک همراه با هیئتی اعزام آمریکا شده بود در گفتگو با یک خبرنگار آمریکایی گفته بود من خواهان دیدار از سانفرانسیسکو، شیکاگو، نیویورک و آبشار نیاگارا هستم که در صورت داشتن فرصت به بازدید مدارس آن شهرها خواهیم پرداخت. امیدوارم اثری از ساختار نظام آموزش و پرورش آمریکا در ایران داشته باشیم بیش از این مبلغین مذهبی آمریکایی در تهران و همدان، مدارس آمریکایی و کلیسا دایر کردند و برای همین تا اندازه‌ای با مدارس شما آشنا هستیم...". (ساعتچیان، ۱۳۹۷، صص ۸۶-۸۸) این اظهارات صریح در درجه اول نشانه اهمیت مدارس

میسوئوری است و در درجه دوم بیانگر تاثیراتیست که بر ذهنیت سیاستمداران ایرانی گذاشته به گونه‌ای که متوجه اهمیت نظام آموزشی آمریکا شده و ابراز امیدواری کرده بود که در سفرش بهره‌ای از ساختار نظام آموزش و پرورش آمریکا برای ایران بگیرد.

۶. انجمن ملی ایران و آمریکا

علاوه بر مطبوعات قاجار که حکومت و مردم آن عصر را برای ادامه تحصیل جوانان به آمریکا تشویق می‌کرد، انجمن ملی ایران و آمریکا نیز در این خصوص تاثیرگذار بود. این انجمن که توسط احمد سهراب در آمریکا تشکیل شده بود (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک، ۲۰، پ، ۳، ش ۴) ضمن تاکید بر برتری آمریکا نسبت به دیگر کشورهای غربی، خواهان سرمشق قرار دادن این کشور بجای اروپا بود، و در راستای مخالفت با اعزام دانشجویان به اروپا تا آنجا پیش رفت که در نامه‌ای به مجلس شورای ملی مدعی شد علت پیشرفت ژاپن نتیجه ۳۵ سال ارتباط فرهنگی این کشور با آمریکا می‌باشد، و در همانحال اعزام دانشجویان از طرف ایران به فرانسه و آلمان و انگلیس و ارتباط ۷۰ ساله سراسر ضرر و زیان بی حساب با اروپا را از جمله عوامل عقب ماندگی ایران اعلام کرد. (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک، ۲۰، پ، ۳، ش ۴-۱) هدف اصلی این انجمن کسب انواع حمایت‌ها و تسهیلات از آمریکایی‌ها و اختصاص آن به کودکان فرودست و محروم در سراسر ایران جهت تحصیل بود (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک، ۲۰، پ، ۳، ش ۴). بدین ترتیب آمریکاییان کمک‌های خود را به نقد و یا به صورت کتاب‌های درسی و روزنامه و نشریه به مدرسه تربیت تهران می‌فرستادند. (ناطق، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰) احمد سهراب تاکید می‌کرد که مجلس شورای ملی بایستی یک کمیسیون رسمی مرکب از ۲۰ الی ۱۵ نفر از وطن پرستان را به آمریکا اعزام کند تا هر یک در شعبه مخصوصی تحصیل نموده، و سپس با مراجعه به میهن، علم و دانش اکتسابی خود را به نفع کشور به کار بیندند (چهره نما، ج ۲، ۱۳۲۸ق، ش ۱۹، ص ۵) از جمله نتایج مهم فعالیت‌های انجمن ملی ایران و آمریکا تحت تاثیر قرار دادن و متمایل ساختن جهت‌گیری وزارتخانه‌های خارجه و معارف به سوی آمریکا بود. (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک، ۲۰، پ، ۳، ش ۱).

در تائید نقطه نظرات انجمن ملی ایران و آمریکا، روزنامه چهره‌نما نیز توصیه می‌کرد پدران و مادران فرزندان را برای تحصیل به آمریکا اعزام کنند. (چهره نما، ج ۳، ۱۳۳۰ق، ش ۱۵ و ۲۰، ص ۱۴) زیرا به باور این نشریه، علاوه بر بالا بودن سطح کیفی تحصیل در

آمریکا، تحصیل کرده‌های پاریس جز علم عشق و عاشقی و خواندن و نوشتن حکایات و رمان‌های شیرین چیز دیگر نیاموخته‌اند (چهره نما، ج ۳، ۱۳۳۱ق، ش ۱۵ و ۲۴، صص ۱۲، ۱۳).

۷. گزارشات سفرای ایران در امریکا

یکی دیگر از عوامل موثر و دخیل در آشنایی ایرانیان با آمریکا بویژه با نظام آموزشی این کشور که به افزایش روی آوردن جوانان ایرانی به آن کشور منجر شد، اقدامات سفرا و نمایندگان سیاسی ایران در آن کشور بود. یکی از برجسته‌ترین این شخصیت‌ها علیقلی خان پسر کلانتر کاشانی بود که پس از فراغت از تحصیل خود در مدرسه دارالفنون، به آمریکا رفته و در آنجا بعد از تکمیل تحصیلات، با زنی آمریکایی ازدواج کرده بود (استادوخ، ۱۳۲۵ ق، ک ۲۴، پ ۱۲، ش ۱۲۸). وی در سال ۱۳۲۸ ه.ق از طرف وزارت خارجه به سمت شارژداری ایران در واشنگتن منصوب شد (استادوخ، ۱۳۲۸ق، ک ۲۰، پ ۱، ش ۵). علیقلی خان ضمن تاکید مکرر بر ضرورت گسترش روابط با آمریکا (استادوخ، ۱۳۳۶ق، ک ۲۱، پ ۱، ش ۳۱) توصیه می‌کرد که جماعتی از ایرانیان در مدارس آمریکا تربیت شوند و مدارسی به سبک نظام تربیتی آمریکا در سراسر ایران تاسیس شود (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ش ۱۶-۱۴). وی ترقی ژاپن و بیداری چین را نتیجه تحصیل جوانان آن دو کشور در آمریکا می‌دانست که با بازگشت به کشورهای خود سبب تحول و پیشرفت شده بودند (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ش ۱۶-۱۴). برغم اطلاع و شناختی که ایرانیان از نظام آموزشی آمریکا و مزایای آن نسبت به دیگر کشورها داشتند به دلایلی ناتوان از اعزام فرزندان خود به آن کشور بودند. مهمترین این دلایل فاصله دور ایران از آمریکا و مخارج گزاف اقامت در آن کشور بود. (استادوخ ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ش ۱۶-۱۴) لذا علیقلی خان در راستای رفع این مشکل به تلاش‌هایی دست زد. برای نمونه، با رییس آکادمی مریزبورک در ایالت پنسیلوانیا مذاکره کرد که از شاگردان ایرانی همان شهریه‌ای دریافت شود که در اروپا از آنان گرفته می‌شود، پیشنهادی که مورد موافقت ریاست مدرسه مذکور قرار گرفت. (استادوخ ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ش ۱۶-۱۴) علیقلی خان از وزارت معارف تقاضا کرد که سی نفر شاگردی را که برای تحصیل به اروپا می‌فرستد با همان بودجه به آمریکا بفرستد (استادوخ ۱۳۲۹ق، ک ۲۰، پ ۱، ش ۱۶-۱۴). علیقلی خان در گزارشات خود به پیگیری مشکلات محصلان ایرانی نیز می‌پرداخت برای نمونه در یکی از این نامه‌هایش به وزارت معارف تقاضا کرد که هزینه تحصیل دو نفر شاگرد ارمنی تبعه ایران که مهندسی

الکترونیک می خوانند را فراهم کنند، چرا که این دو نفر به محض اتمام تحصیل می توانند به وطن خدمت کنند. (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۳۶، پ ۱۴، ش ۵ و ۲).

وی همچنین شخصاً دو تن از پسران مهندس الممالک و ملک المورخین را برای تحصیل با خود به آمریکا برد. (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۳۶، پ ۱۴، ش ۱۵). این خدمات مخفی نماند، آنچنان که روزنامه چهره‌نما ضمن تمجید از اقدامات سفیر ایران در آمریکا می نویسد: "جناب علیقلی خان شارژدافر در این مدت کم تلاش بسیاری انجام داده برای جذب مستشار از آمریکا، و می داند بهترین خدمت به ایران ... آوردن اطفال ایران به آمریکا به جهت تحصیل می باشد". این روزنامه همچنین می نویسد روز به روز شمار ایرانیان در آمریکا توسعه پیدا می کند و این بخاطر نقش علیقلی شارژدافر ایران است (چهره نما، ج ۳، ۱۳۲۹ق، ش ۴، صص ۱۲ و ۱۳).

وی از هر فرصتی برای جذب رایگان دانشجویان در آمریکا استفاده می کرد و از جمله با روسای مدارس آمریکا در خصوص جذب دانشجویان ایرانی مذاکره می کرد (استادوخ، ۱۳۲۹ق، ک ۳۶، پ ۱۴، ش ۱۹ و ۱۰). وی در نامه‌ای به وزارت خارجه به معرفی مدرسه و رئیس دارالفنون شیکاگو پرداخته که می تواند در ایران خدمات علمی زیادی انجام بدهد و باعث جذب کمک‌های فرهنگی خیرین آمریکایی شود (استادوخ، ۱۳۳۷ق، ک ۱۰، پ ۴، ش ۲۳، ۲۴). در نتیجه تلاش‌های علیقلی خان در سال ۱۳۳۰ق، وزارت خارجه ایران شماری از محصلین خود را برای تحصیل در مدارس نظامی به آمریکا فرستاد (استادوخ، ۱۳۳۰ق، ک ۳۷، پ ۲۰، ش ۱۴-۱۶). در همین سال آمریکایی‌ها در نامه‌هایی به وزارت معارف، از اعزام محصلین ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا استقبال نمودند. برای نمونه دانشگاه dalparaise دلپرایزو واشنگتن از وزارت معارف درخواست اعزام دانشجوی کرد. (ساکما، ۲۹۷/۲۸۲۱۰، ص ۲).

یکی از اقداماتی که تاثیر بسیار شگرفی در توجه به مسئله تعلیم و تربیت محصلین و اهمیت توسعه مدارس داشت شرکت علی قلیخان در کنگره‌های بین‌المللی تعلیم در فیلادلفیا بود. در این کنگره‌ها از ایران خواسته می شد که اسناد و مدارکی از نظام آموزشی و چگونگی تعلیم و آموزش محصلین در ایران ارائه دهد. (استادوخ، ۱۳۳۲ق، ک ۵۸، پ ۲۱، ش ۱ و ۲) علاوه بر آن از وزارت معارف خواسته شد تصاویری از مدارس و دوائر تربیتی و آمار و ارقام احصائیه مدارس و تعداد شاگردان و غیره را جهت نمایش در کنگره ارسال

نماید. طبیعتاً این امر وزارت معارف را برای توجه بیش از پیش به امر آموزش و تعلیم و تربیت و مدارس تحت فشار قرار می‌داد (استادوخ، ۱۳۳۲ق، ک ۵۸، پ ۲۱، ش ۱).

پس از علیقلیخان، حسین علایی وزیر مختار ایران در واشنگتن مهمترین شخصیت تاثیرگذار درخصوص تسهیل زمینه‌های تحصیل ایرانیان در آمریکا بود. علایی با دولت آمریکا در خصوص تعداد محصلین ایرانی که سالیانه به آن کشور می‌روند، مذاکره می‌کرد و از این کشور تخفیف‌هایی برای تحصیل محصلان ایرانی می‌گرفت. (ساکما، ۲۳/۵۴۲۳) وی در سال ۱۳۴۱ ه.ق / ۱۳۰۱ شمسی در نامه‌هایی حکمران بنادر خلیج فارس را ترغیب می‌کند به جای فرستادن محصل به هندوستان آنها را به آمریکا اعزام کند. (ساکما، ۲۳/۵۴۲۳). حسین علایی در یکی از گزارش‌های خود به وزارت امور داخله می‌نویسد دولت در رابطه با نظام تعلیم و تربیت بایستی آمریکا را الگو بگیرد زیرا اینکار می‌تواند یکی از موجبات مهم و عمده سریع سعادت و ترقی ایران شود. بنا به گزارش علایی دولت ایران با اختصاص سالانه ۲۰ هزار دلار می‌توانست هر سال ۲۵ جوان ایرانی متخصص فنی در آمریکا تربیت کند. علایی به تفصیل به توصیف و تحسین نظام تربیتی مدارس آمریکا می‌پردازد و نتایج چنین تربیتی را سلامت مزاج، تولید حق استقلال، اعتماد به نفس، تزکیه اخلاق به واسطه سیر در طرق مختلفه زندگی، حق تعدیل خرج و دخل در امور معاش و لزوم صرفه جوئی و پس اندازی، و جلوگیری از معایبی می‌داند که پنجاه درصد جوانان نارس ایرانی به آن دچار هستند که همانا چشمداشت و وابستگی پسران به ارث پدری‌شان است. (ساکما، ۲۳/۵۴۲۳)

حسین علایی بر لزوم تحصیل دانش آموزان ایرانی در کلیه علوم نظامی، اقتصادی و اجتماعی و پزشکی آگاه بود. وی عده زیادی از ایرانیان را برای تعلیم در حوزه معارف نظامی به مدارس آمریکایی برد و از هر فرصتی برای جذب دانشجو در آمریکا استفاده می‌کرد. برای نمونه، در گزارشی به وزارت معارف به توصیف یکی از بهترین مدرسه‌های نظامی آمریکا به نام استات میلیتاری آکادمی پرداخته و خاطر نشان می‌سازد از آنجا که از هر مملکتی دو نفر شاگرد به صورت مجانی در این مدرسه تعلیم می‌بینند دولت ایران باید از این موقعیت به خوبی استفاده کند. (استادوخ، ۲/۱۳۰۲ش، ک ۳۳، پ ۹، ش ۳۰) بعد از گزارشات حسین علایی بلافاصله وزرات جنگ دو نفر به اسامی حسن خان صارم و نصرت الله خان را برای تحصیل در مدرسه نظامی وست پوینت معرفی کرد. (استادوخ،

۱۳۰۳ش، ک ۳۳، پ ۱۰، ش ۲۴) وی پیشتر هم خواستار اعزام شاگردانی برای تحصیل فن سرویس طیاره به آمریکا شده بود. (اسنادوخ ۱۳۰۲ش، ک ۳۶، پ ۱۶، ش ۱۶).

علاهی معتقد بود که آمریکا بیش از هر کشور دیگری به آموزش و تعلیم زراعت و فلاح و استخراج معدن توجه می‌کند و مدارس آنها برای این دو فن از همه کشورها دنیا کاملتر و عملی‌تر است. بنابراین جوانان ایرانی باید در این رشته‌ها در آمریکا تحصیل کنند چون ترقیات آینده ایران باید از طریق زراعت و فلاح و استخراج مواد معدنی می‌باشد. (ساکما، ۲۹۳/۵۴۲۳) شمار محصلین ایرانی در رشته فلاح در آمریکا بسیار زیاد بوده‌اند. (اسنادوخ، ۱۳۳۸ ق، ک ۳۰، پ ۱۹، ش ۵) شاید یکی از دلایلی که در اواخر دوره قاجاریه آمریکایی‌ها در ایران مدرسه فلاح را تاسیس کردند حضور فارغ‌التحصیلانی از آمریکا بود که در این رشته درس خوانده و به ایران بازگشته بودند و می‌خواستند به کمک آمریکایی‌ها این رشته را در ایران توسعه دهند. (اسنادوخ، ۱۳۰۱ش، ک ۱۰، پ ۱۲، ش ۱) در اواخر دوره قاجاریه شمار دانش‌آموزان و محصلان ایرانی در آمریکا بسیار زیاد بود با اینحال آمار مشخصی در این زمینه وجود ندارد زیرا اعزام دانشجو در انحصار وزارت معارف نبود و بسیاری از دیگر وزارتخانه‌ها مستقلاً اقدام به اعزام دانشجو در تخصص‌های موردنیازشان به آن کشور می‌کردند. (اسنادوخ، ۱۳۳۹ق، ک ۳۰، پ ۱۰، ش ۱۳) بدین ترتیب بالاخره تلاش‌ها و تبلیغات پایان‌ناپذیر مطبوعات قاجاریه و متجددین به نتیجه رسید و دولت ایران با اعزام دانشجو و توجه به نظام آموزشی و تربیتی آمریکا نشان داد که متقاعد به پذیرش نقطه‌نظرات متجددین آمریکا محور شده است. گرایش نوین ایرانیان به تحصیل در آمریکا با سقوط حکومت قاجاریه اگرچه خاتمه نیافت اما تحت تاثیر سیاست‌های آموزشی رضاشاه قرار گرفت و وی اصولاً با گسترش نهادها و مراکز آموزشی در داخل کشور، در دراز مدت به اعزام دانشجو به خارج از کشور خاتمه دهد

۸. نتیجه‌گیری

در اوایل سده نوزدهم میلادی و با روی کار آمدن سلسله قاجار ایران دستخوش تحولات گسترده‌ای شد. گسترش ارتباطات و فراهم شدن زمینه‌های آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن مغرب زمین باعث به وجود آمدن پرسش‌هایی از چرایی عقب ماندگی ایران و پیشرفت غرب گردید. گروهی از روشنفکران و اصلاح‌گران دوره قاجاریه دلایل ترقی غرب را در پیشرفت نظام آموزش آن کشورها یافتند و تلاش کردند با کسب آگاهی از نظام

آموزشی غرب و انتقال آن به جامعه ایران نظام آموزشی کشور را متحول کرده و زمینه‌های پیشرفت را فراهم کنند؛ اما به زودی به واسطه فعالیت مسیونری‌های مذهبی در ایجاد مدارس جدید از سویی و بازتاب نظام آموزشی آمریکا در مطبوعات قاجاریه از سوی دیگر برخی از روشنفکران و صاحب‌منصبان ایران دریافتند که تنها آمریکا می‌تواند الگوی مناسبی برای نظام آموزشی کشور باشد و پیروی از کشورهای اروپایی کاری بیهوده و بی‌ثمر خواهد بود بنابراین تلاش کردند توجه مردم را به سوی ایالات متحده جلب کنند.

شناخت مردم ایران از مدارس امریکایی باعث شد موانع محدودکننده مدارس امریکایی برداشته شده و بسیاری از مردم تمایل پیدا کنند که فرزندان خود را برای تحصیل به مدارس امریکایی بفرستند. افزایش آگاهی و شناخت از نظام آموزشی آمریکا که به واسطه فعالیت مسیونرها و نیز مطبوعات قاجاریه شکل گرفته بود و اکنون با تحصیل جوانان ایرانی در مدارس امریکایی کاملتر گردیده بود باعث شد بسیاری از محصلین مدارس امریکایی در خانواده‌هایشان متمایل به ادامه تحصیل در آمریکا شدند، اما اینکار به علت دوری از آمریکا و هزینه‌های زیاد با محدودیت مواجه بود. برای رفع این موانع انجمن ملی ایران و آمریکا که توسط احمد سهراب ایجاد شده بود و نیز نمایندگان سیاسی ایران در آمریکا تلاش‌های گسترده‌ای انجام دادند و توانستند با جلب مساعدت امریکایی‌ها و نیز درخواست از دولتمردان ایرانی زمینه‌های ادامه تحصیل ایرانیان در آمریکا فراهم شود و بسیاری از مردم فرزندان خود را برای ادامه تحصیل عازم آمریکا کردند، که این دانشجویان پس از بازگشت از آمریکا منشا خدمات شایسته‌ای شدند.

کتاب‌نامه

اسناد منتشر نشده وزارت امور خارجه (استادوخ):

اسناد منتشر نشده مرکز اسناد آرشیو ملی (ساکما): ۲۹۳/۲۹۷، ۵۴۲۳/۲۸۲۱۰

روزنامه‌ها

دولت علیه ایران، سال ۱۲۸۰ه.ق

تربیت: سال‌های ۱۳۱۷ه.ق، ۱۳۱۹ه.ق

اطلاع: سال‌های ۱۳۱۵ه.ق، ۱۳۰۳ه.ق، ۱۳۲۱ه.ق

حبالمتین: سال‌های ۱۳۱۹ه.ق، ۱۳۲۰ه.ق، ۱۳۲۷ه.ق، ۱۳۲۸ه.ق

چهره نما، سال‌های ۱۳۲۶ه.ق، ۱۳۲۷ه.ق، ۱۳۲۸ه.ق، ۱۳۲۹ه.ق، ۱۳۳۰ه.ق، ۱۳۳۱ه.ق

۹۸ جستارهای تاریخی، سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

حکمت: سال‌های ۱۳۲۵ ه. ق، ۱۳۲۶ ه. ق، ۱۳۲۳ ه. ق

کاوه: سال ۱۳۳۹ ه. ق

اختر: سال‌های ۱۳۰۴ ه. ق، ۱۳۱۱ ه. ق، ۱۳۱۳ ه. ق، ۱۳۲۵ ه. ق

ثریا: سال ۱۳۱۷ ه. ق

مرد آزاد: سال ۱۳۴۱ ه. ق

مجلس: سال‌های ۱۳۲۸ ه. ق، ۱۳۲۹ ه. ق

معارف: سال ۱۳۲۴ ه. ق

مظفری: سال ۱۳۲۳ ه. ق

ناصری: سال ۱۳۱۷ ه. ق

ادب: سال ۱۳۲۰ ه. ق

مجلات

ایران‌شهر: سال‌های ۱۳۴۳، ۱۳۰۵ ش

تعلیم و تربیت: سال ۱۳۰۴ ش

فرنگستان: سال ۱۳۰۳ ش

بهار: سال ۱۳۲۸ ه. ق

کتب

الدر، جان، (۱۳۳۳) تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، تهران: انتشارات نور جهان
ایران و جنگ جهانی اول (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات سمینار به کوشش صفا اخوان، تهران: مرکز اسناد و
تاریخ دیپلماسی

بهنام، جمشید. (۱۳۷۵). ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: نشر فرزانه

ساعتچیان، علیرضا، (۱۳۹۷)، ایرانیان از نگاه آمریکاییان (ایران عهد قاجار در روزنامه های
آمریکا)، تهران: انتشارات پارسه

ایرانیان از نگاه آمریکاییان (ایران عهد قاجار در روزنامه های آمریکا)، گردآوری و ترجمه علیرضا
ساعتچیان، پارسه، تهران، ۱۳۹۷، صص ۸۶-۸۸

رامتین، حسین. (۱۳۴۱)، آمریکایی‌ها در ایران، تهران: بی‌نا

صدیق، عیسی. (۱۳۳۲). سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

صحاف باشی تهرانی، ابراهیم. (۱۳۵۷). سفرنامه ابراهیم صحاف باشی. تهران: انتشارات شرکت مولفان و

مترجمان ایران

فلاندن، اوژن، (۲۵۳۶)، سفرنامه اوژن فلاندن، ترجمه حسین نور صادقی، تهران: انتشارات اشراقی

ناطق، هما. (۱۳۸۰). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۹۲۱-۱۸۳۷). تهران: انتشارات معاصر پژوهان

بازتاب نظام آموزشی آمریکا در اندیشه ایرانیان دوره قاجاریه و نتایج ... ۹۹

ویشارد، جان، (۱۳۶۳) بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، نوین، تهران: نوین
همراز، ویدا، (۱۳۹۱) مبلغان مسیحی در ایران (از صفویه تا انقلاب اسلامی)، تهران: سازمان انتشارات
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

